



از نگاه فریدون ایل‌یگی

نوشته های سیاسی

آوردن این مطالب نه به معنای تأییدست و نه «تبلیغ» و نه ... تنها برای خواندنست و ...

"احکام اسلام" یا تلاش برای استحکام حکومت آخوندی

صفحه ۷

شماره ۱۰۸

ره‌های

"احکام اسلام" یا تلاش برای استحکام حکومت آخوندی  
"بندج" ریسمان پوسیده‌ای برای بندبازی جدید

چند روز قبل زفتوای "ناگهانی" اخیر خمینی به زمینه سازی  
ها شروع شد و برای چندمین بار موضوع "بندج" در دستگیر  
تعلقات بلندگوهایی زیر پهلوار گرفت. روزنامه های وابسته و  
دستگاه‌های تبلیغاتی و نهاد های به اصطلاح انقلابی بکار  
دیگر شروع کردند در زمینه‌های تکرار گناوری و ضرورت برخورد  
"انقلابی" با آن‌ها سخن‌ها را و از مردم و روشنفکران در  
این زمینه نظرخواهی کردند. حمله تکرار های رژیم مطبوع  
گان مجلس شورای اسلامی (نظیر حجت الاسلام بهاری، سید  
بندعی ساری و روحانی‌نویسند) در زفتوای و مسئولان "سپاه"  
های انقلابی (نظیر مسئول مراکز خدمات روستایی در جهاد  
سازندگی و غیره) و بعنوان دلگهان قبل از آغاز زفتوای برای  
عمیر که گردانی بروی صفحه ظاهر شد و در حواصن "اصلاحات  
ارسی اسلامی" گردیدند.

نمایش اصلی در روز ۲۰ مهر - ۶۰ با چاپ استفتاء هاشمی  
رسمت‌های رهبری مجلس شورای اسلامی و چاپ فتوای "تاریخ  
سازان" است. در همان روز بروی صفحه ظاهر گردید. و  
محلوم شد که آن مقدمه جینی‌های چند روزه به دلیل نبود  
است. یک حیوانند می‌عاد که استفتاء و فتوای آنکجا در  
روزنامه‌های ۲۰ مهر - ۶۰ خوانده می‌باشد. چیزها دید ستگمیش  
نمود. فقط بقول یکی از سردمداران رژیم به نحو مبهمی می  
میبرد که "حکومت الله با رژیم دنیا رساله شده است."  
جوشید تا به مساحه‌ها نمی‌دیدی حضرات آیات و حجاج  
الاسلام در روزنامه‌ها و نیز سرمقاله‌های روزنامه‌های مزدور  
رژیم در تعبیر فتوای تاریخ سازان، کمی برد و با راکتار مزید  
و معلوم می‌شود که صیبه بر سر یکی از جادترین و وحشی‌ترین  
مسائل مربوط به احکام حدیثه ناپدید پروانده "اسلام" است  
استقرار و استحکام حکومت آخوندی است. روشنفکران  
با کلام خدا (قرآن) و کلام پیغمبر (سنت) و معول فقهی احکام  
اوقیه را باید در روزگزار گذاشت و با برای نیابت حکومت آخوندی  
باید به کلاه شرعی "احکام ثانویه" مشتمل شد. وقتی قسبه  
را از طرف "مدرسه" حوزه‌های علمیه تم و علمای اعلام سران  
کشور به این شکل روشن مطرح شود (اطلاعات ۲۶ سپتامبر ۶۰)  
مشخص می‌گردد که مسئله "جدید" سرنوشت سار است.

از همان روز ۲۰ مهر - ۶۰ مزدوران رژیم در روزنامه‌های  
وابسته شروع کردند به توجیه این کلاه شرعی بندبازی  
اسلامی و "تعبیر" فتوای امام. بیلا روزنامه‌های اطلاعات که  
سرمقاله‌های سه روز ۲۳ تا ۲۵ مهر مجدداً "تعبیر" و توجیه  
"فتوای امام" اختصاصی داده است. لازم دانست که در همان  
روز ۲۰ مهر - ۶۰ گراما گرام به همراه چاپ متن استفتاء رسنیا  
نی و فتوای خمینی، توضیحی در رهبرای می‌نویسد:

"خلاصه کلام اینست که بر اساس احکام اولیه‌ی  
اسلام یعنی سرساختار کتاب (قرآن) و سنت  
(کلام پیغمبر) استخراج شده و مالکیت مردمی -  
... محترم بود و علی‌هذا مالک افراد چه زن  
باشد چه صکر چه اموال و املاک و حقوق مشروع  
دیگر نمی‌توان به هیچوجه کلاناً جزاً صادره کرده  
باید نحوی از انحاء معدود کرد." (تاکید از دست)  
مفهوم روشن عبارت فوق (که تاکنون لا یوشانی می‌شد) اینست  
که: در اسلام ناب و در اسلام راستین یعنی اسلامی که صریحاً  
و مستقیماً از کلام خدا و پیغمبر استخراج شده و مالکیت خصوصی  
چه در زمینی زمین و سرکن و اموال و املاک و غیره و بهره‌دار  
و میزان و تایل احترام و غیره قابل اعتراض است. روشنفکرانکه:  
اگر کسی در همه‌ها هزارهنگار زمین و صد ها خانه و در همه کارخانه  
ملکدارها شورت داشته باشد، بنا به تصریح کتاب و سنت  
سینوا آنها را به هیچوجه کلاناً جزاً صادره کرده و ما سه  
سوی زاندا" معدود کرد. "این احکام اوقیه‌ی اسلام  
ناب (غیرالطالی) و راستین است. بنا بر این و اگر کسی بگوید  
که اسلام راستین (یعنی اسلامی که از فقهی‌ترین و معتبرترین  
منابع یعنی کلام خدا و پیغمبر مستقیماً استخراج شده باشد)،  
دین رسنیا را از بزرگو سرزاید دارا بزرگ است و نه "دین  
حاجی مستضعفان" بروی یک جمعیت انکار پذیرا ننگ  
گذاشته و به هیچوجه چندی توحش با شهت ندارد. و اگر  
استغفرالله توحش با آنها می‌واقع شده باشد، باید گریبان  
مد روزی معوی اطلاعات، برگزیده‌ی امام در اطلاعات و نظایند  
مجلس شورای اسلامی یعنی حجت الاسلام دهانی را گرفت.  
باید گریبان سرشناسترین آخوند های رژیم جمهوری اسلامی  
نظیر منتظری، مشکینی، دستغیب، طاهری، آذری قمی،  
اشرفی اصفهانی، موسوی شهبازی، هاشمی رفسنجانی، ربانی  
املی و بسیاری زفتوای گان معمم و غیر معمم مجلس شورای  
اسلامی، در زمین حوزه‌های علمیه تم و علمای اعلام سرسنا  
سرگور و اگر تم که (خوشبختانه امروز دیگر نیازی به هیچ  
گونه برده پوشی ندارد و نه با کسی تعارض، و آنچه را طبعی  
فرنها مکتبی می‌گردند و عمل واروه می‌زند و امروز اشکارا چندین  
واحد به زبان می‌آورند و در طرف همین چند روز اخیر و اعقاب  
ها و مساحه‌های خود، ضمن همان توضیح روشن احکام  
اولیه، با این حال به توجیه "قرآن" تاریخ سازان تم برداختند.  
در این حال این مسئولان پیش می‌آید که با وجود صراحت کلام  
خدا و پیغمبر یعنی بر محترم و نا معدود بودن شروت و آیات  
خلاف اصل "ما انزل الله" عمر کرد بطور روشن مسه  
اطلاعات و گیسسه آیت الله ها



رهائسی

شماره ۱۰۸

صفحه ۸

و حجت الاسلام های نامور و در فوق در تفسیر فقه فقهی است  
 امام ۲ جواب مثبت است و کلام شریفی آن " احکام ثانویه" است.  
 مفهوم بسیار روشن این " جواب مثبت" ایست که اگر ضرورت  
 ایجاد کند، قرآن و سنت یعنی احکام اولیه، وقت نماز نرسد  
 و فتوی میبندد جامع شرایط و فقه یعنی " احکام ثانویه"  
 میتواند جایگزین آنها شود. این اعتراف حائز اهمیت و متولیان  
 دست آورد بسیار بزرگی است که میتوان برای آگاهی داد  
 بود و ما مورد استفاده قرار گیرد، توده هایی که قرن ها توسط  
 متولیان در برهه آنها دروغ گفته شد، مورد تحمیل قرار گرفتند و  
 استخفاف شدند، و امروزه حکم ضرورت توسط همان متولیان  
 در اسلام میشود که:

- ۱- احکام اساسی اسلام یعنی قرآن و سنت " صریحا" حائز  
 زمینداران بزرگ و سرمایه داران بزرگ است نه ایداع طرفدار  
 زحمتگاران یا " مستضعفان".
- ۲- پایه های اساسی دین را بر حقیقت حورن میتوان نادیده  
 گرفت. چرا که پایه های قرآن بنا شده است.
- ۳- اینرا کونیهتها نمیگویند، اینرا چهارده قرن بعد از من  
 صد و بیست و یک " اولیه" و " فقه" و " مجتهد جامع الشراعی" و  
 " نائب برحق" امام زمان، " ولی امر" امام امت، " بیاد"  
 که در جمهوری اسلامی، " حجتیست شکن" میگوید. باید این  
 دست آورد های ارزنده را با ساده ترین عبارات و به گسترده  
 ترین شکل ممکن، به میان توده برد.

باری قبل از اینکه تعریف احکام ثانویه را در تعریف فتوی  
 امام ۲ در روزنامه ای اطلاعات ۲۰ مهرینوم یک مکتب را بعنوان  
 معتبره بطوریکه را عنوان کنیم: افراد و نیروهای متعلق نظیر  
 بارگانها و شریعتیها، بنی صدها و بویزه میاهدین مسأ  
 دیدن اینک راه درم از طریق نص صریح و تفسیر فقهی قرآن و  
 سننه بعد و ایست، اگرچه " دگم نبودن اسلام" (مجموعی  
 همان اصل ثانویه حجتی) متوسل شوند، " صد روحانیت" و " صد  
 اسلام" و " منافق" و " انقلطی" و اند. ولی اگر دگم های مذهبی  
 از طرف " بنیانگذار جمهوری اسلامی" در فتوی وجود تحت عنوان  
 جلوگیری از " عاصد" اختلاف در نظام جمهوری اسلامی با رفع  
 " حرج" (حرجوا: زنگنه) و " نکته شریف" این فتوا هر چند  
 مخالف صریح احکام قرآن و سنت باشد، ما رافعیل نامیده می  
 در فتوی در مجلس شورای اسلامی و " سیهی اصل فقه است".  
 (گنجان ۲۹ مهر ۷۰)

۱- تعریف احکام ثانویه را از زبان روزنامه ای اطلاعات بشنو.  
 هم (سا بیروجا سون سرشناس تا برده در موجود رمصاحبه ها  
 اخیر خود، گاه ناگهانی متفاوت میهمیاره همین تعریف  
 را بدست داده اند. روزنامه ای اطلاعات، در تفسیر " فتوی  
 امام ۲" پس از شرح احکام اولیه [که در فتوی نقل شد]، اضافه  
 میکند: امام مجتهد جامع الشراعی و " فقه" میشوند.  
 " هرگاه با شرایط و اوضاع و احوال جدیدی مواجه  
 شد که حکم جدیدی را نیاز برآورد میکرد بعضی از  
 توجه به " عطل ثانویه" یعنی عطل و  
 عطل و شرایطی که حد بداید آمده و متناسب

بآن - - - چاره حویس کند و احکام با دستور العمل  
 یا طرحها می (ولو مخالف قرآن و سنت) را به اجرا  
 بگذارد. اکنون امام با اشاره به همین مطلب (احکام  
 ثانویه) است که به مجلس اختیار رسد تا ثانویه  
 انبیا مودن با ندادنش موجب اختلاف در نظام  
 جمهوری اسلامی با " عاصد" احتیاجی باید بد آمدن  
 " حرج" یعنی تنگنا و مشکل سخت خواهد شد. . . .  
 تصویب کرده و به اجرا گذارد. (اطلاعات ۲۰  
 مهر ۷۰)

اما فیه " تصویب اکثریت مجلس" که در فتوی حجتی آمده،  
 چیست؟ مگر تا کنون لایحه و قوانین توسط اقلیت مجلس تصویب  
 میشد؟ نه در اسطر چه بد بگری است. حجتی که معمولاً  
 میان فقه و فقه میانه چیز سنوید و حرف میزند، فتوی  
 رابطه مصلحت بزبان بسیار فقهی یا بسیار علمی نوشته است  
 که نه تنها یک خیالند میمموی بلکعتی بسیار زیاده اندگان  
 با مسأله فقهی تا آشنا با بیج و خم های شرا خودی و سزا  
 سرد رتبا ویند. حجتیست که سرسپردگان ولایت فقه در همین  
 مدت کوتاه چند روزه، در شرح و تفسیر هر کلمه، هر  
 ضریح و هر حواصی و مقاله ها سوزنده، سخنرانی کرده اند  
 و در نتیجه، هر خواننده ای کنگا و وعادی و از زور آن نوشتنها،  
 صاخره ها و سخنرانی ها، به چند و چون غنمه میسرود.

همین اکثریت مجلس برای بداند اول جمعیا است که طهها  
 در پشت پرد، بین مرکز بدگان حجتی یعنی فقها و شورا  
 با سزا بر برگردگان حجتی در دستگاه فقه و مجریه بصورت  
 در زبان داشته. شورا و نگهبان و سزا بدی که این ولایت فقه  
 ارتقا می ترین سها در قانوا ساسی جمهوری اسلامی است،  
 مانا بیج و فاین بین سها در تصویب شده توسط سرسپردگان  
 رژیم جمهوری اسلامی به مخالفه برجاس و عملاد و معایل حکم  
 مت ولایت فقه استاده بود. طرحها بی نظیر اندی، اراضی  
 شهری، ماشنها و حدید، طرشدن با رنگ سی خا و غیره،  
 با وجود " تصویب اکثریت" معنی بران فعالیت " شورا و نگهبان"  
 روی دست دستگاهها اجرا می ولت ماید و عادی با  
 علم به مخالفه " شورا و نگهبان" و ارتقا سها در مجلس خود  
 داری میکرد. فتوی بعد بد حجتی و تا صریح بین حدان در ویسی  
 خاکست، ظاهر " نکته س و نگارنده" و نود هسردن به  
 برگردگان حجتی یعنی فقها و شورا و نگهبان، کفتر این مطلب  
 است که سطا، نکته احکام ثانویه یعنی گاه حد او بیحصر  
 در مقابل باره ای مردم هانیم بند که محصوره احکام آنهاست  
 حسنه و ایستاد، ابد در حالیکه عطل را می میکند چون من  
 شمارا انتقا کرده ام که از دستورات احکام من اطاعت کند.

حان بیسم که شورا ای هور ارتقا می نگهبان چه فخر بسیار  
 اساسی و تعیین کننده ای در قانونی ایضا هور ارتقا سسی  
 جمهوری اسلامی دارد: " شورا و نگهبان" طبق اصل اول قانون  
 اساسی جمهوری اسلامی:  
 " به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون  
 ←

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی



http://rouzaneha.org روزانه ها

رهائگی

شماره ۱۰۸

صفحه ۹

اساسی از نظر عدم مفایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها

تشکیل می شود . طبق همین اصل ، شورای نگهبان دارای وظایف و عوارض است که عموماً آنها را زمان "فقهایی عادل و آگاه بسعه مفتضات زمان و مسائل روز" تعیین می شود و "انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است" و ۶ نفر دیگر از میان حقوق دانان مسلط بر سبب شوری عالی خاصاً بی به مجلس شورای ملی معرفی می شوند . از رهبر یا خیرفا نون اساسی جمهوری اسلامی که توسط رژیم انجام گرفته ، مجلس شورای اسلامی همیسان "مجلس شورای ملی" است .

اصل ۹۳ تصریح می کند :

"مجلس شورای ملی بدین وجود شورای نگهبان را اعتبار قانونی ندارد"

طبق اصل ۹۴ :

"کلیه مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان فرستاده شود"

ماده اصل ۹۶ :

"تخصیص عدم مفایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است ."

بالاخره اصل ۹۹ میگوید :

"تصرفات اساسی ما شورای نگهبان است"

بصورتی که ملاحظه شد ، شورای نگهبان با اختیارات عظیمی که قانون اساسی جمهوری اسلامی را اختیار فرموده ، همسر صوبی "اکثریت مجلس" را میباید فاعل هرگونه اعتبار باشد . شورای موقر ارتعایی نگهبان که بعنوان "ترتیباً سرعاله مجلس روزنامه ای اطلاعات" (۳۰ مهبر ۶۰) بعنوان محکم کار در دنیای فقه و رهبری احتیاطی و آسودنی اکثریت مجلس و با زبطن هر طرفه نوجس "مجلس" جک سیاسی و جک تخصصی شده ، در ماسون اساسی جمهوری اسلامی پیش بینی کرده بود . و آن کرد پ رژیم شد و صدای "تغیر" را باید کرده است . این شورای موقر در مقابل کل رژیم استاده است و مصوبات مجلس شورای اسلامی در مورد پاره ای از مهمها نیز که رژیم خود را جمهوری اسلامی میبندد ، ماهیاست که به تعویب آمده است و از اجزای مهمات بر اساسی نیز صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی و اختیارات عظیمی که این قانون در اختیارش میزاند ، "طبق" عدم مفایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام" و "از نظر اطمینان و با مابین اسلام" و غیره - جنوگبری بعمل می آورد .

سرعاله نوجس اطلاعات ، مسئله ای حد بد حکومت الله را ه حد کم و بیشتر سر بسته ولی در هر حال قابل بین مهم ، نتوان سکند :

"... اما آنکالی که بعضاً در همین رابطه بدید میباید این بود که برخی از مصوبات مجلس یعنی آن چه بمنظور اداره قانونی کشور و حل مشکلات مهم اجتماعی ... تنظیم و سپس با اکثریت آرا تصویب میباید از رعایتی مورد مخالفت شورای نگهبان قرار می گرفت . برای این واقعیت که چند ماه هم نگرا شد ، وسعت نگرا ن کنند ، ای بد بد آمد . دست مجلس و نتیجتاً دولت و ارگانهای اجرایی واداری ... بسته شد ."

روزنامه ای اطلاعات ادامه میدهد و قویاً نهنی که :

"برای ملی مرا حل قانونی این به شورای نگهبان رفت ، شورا با استناد به ادله ، مابین و احکام اولیه "ی اسلام" ، بعضی از موازین را که اتفاقاً بیشتر بر آن موازین نیز بود ، تا حد بدی میباید نسبت حلالات مشکلات باشد ، مفایرت مخالف موازین شرعی دانست . بدین ترتیب لایحه تصفه شد و نصی از آن باقی ماند ، آنهم تصف اول یعنی لا"

سرعاله نوجس اطلاعات تعداد امرایش می کند که بنوعی طبق نص صریح اصول ۹۱ تا ۹۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ، فقهای مرتجع شورای نگهبان در قضا و شریقه دارند که چنین کنند . فقهای مرتجع مجلس خبرگرا که گزیننده پاره کرده اند ، اگر در ای شوری میباشند ، نهادت نهادت و موهومات آسمانی و بافتنیها بصفت زمینی را میباید بد . و گرنه کمیونتها در رهبران وقت از میان اول گفته بودند که رسیدن به "حکومت عدل و اسلام" و "ایجاد یک جامعه عدل و عدل اسلامی" در جامعه سر مایه دارای روزی ، از جمله حقیقتات مطلق است . چه شکست تحقیراً میباید از این بزرگترین ایجمعی که بالاخره در دنیا یا خیر وجود میبورد ، است که با زبان الکن فقهی اعتراف کرد که "احکام اولیه" یعنی قرآن و سنت ، روزی را میباید بجا آورد . نه تنها ناگامی بلکه دست و پاگیر و فاجع کننده است . تبصیل به خس و حاشا کنای "طل تا نوبه" اعتراف به شکست رویه های حقیقتی یعنی است که به خاطر آنها ، این همه ویرانیها را آورد و این همه خطاات مرتکب شد و میشود . این تحربه باید درسی باشد برای کسانی که تضاد آشتنی ناید بر رویاها و با معنیات و ضرورت جدا بی دین و سعادت را هنوز میبینند ، همچنان در راههای ذهنتیاب خود ردا نیا نند وهم جتا را زبه اصطلاح "اسلام راستین" و جمهوری موقر استک اسلامی سخن میگویند .

سرعاله نوجس اطلاعات مصوبات از تئید این مطلب خود داری کند که :

"البته همانطوریکه (در زمینه احکام اولیه) اشاره کردیم ، گام شورا نگهبان در رودها و تائیدها ، بحضات و کتاب نبود ، و مستنده ادله شرعی و موازین فقهی بود ."

بامره است که ارفول خط سرعاله نوجس بد اینم که :

"کاروکلا ی مجلس بر بحضات و کتاب بود ، و آنهم حشک به دلایل و موازین معه اسلامی (احکام قانونی) بود ."

در این "بحضات و کتاب نبود" ، حاشا "مستنده ادله شرعی و متکی به موازین معه اسلامی" ، معلوم کنید ، قسیمی "اسلام راستین" را .

حلامه است که ، یعنی بوسه و راهی "اجزای ذمه احکام اسلام" و "رفع حرج یعنی عروج از تنگنا" قرار گرفته . بکنار د بگره ها نند بسا ری زماورد د بگره قانون اساسی ارتعایی جمهوری اسلامی خود را لگد مال و آسودنی از پیش به ورق پارهای هوا رزش شد بل کرده است .

آیات نظام نظیر سرعاله نوجس ، نصی و شوری ، گلهای بگانی و غیره را که مخالف لواج عدل اسلامی میباشند ، اگر بتسوان بسبب احتیاطی خاموش کرد و کسی



صفحه ۱۰

شماره ۱۰۸

رهائشی

پایین نگارن هشتم (روانیت اسلام اسالی مید ندارد. تاکیدها از اعلامیه خمینی است).

### شان نزول احکام ثانویه

## وشکستن دگمهای صدد اسلام

آخوند های دهات و عیال ریزیم در حجاب سازندگویی که نهضت روستاها را در دست دارند، چشم و گوش ریزیم در روستاها هستند به حکومت اسلامی فشار آورند که ما به مسئله ارضی و وضع اسفناوری روستاها توجه کنید. روستا قبا را کافرنا آگاه ترین بحثی توده ها و مهمترین پایگاه حکومت اسلامی میباشند. بی نهایت مسئولان ما یک مشت شعرا و عجب بر باورها و مذاهب آسمانه پشتبانی ریزیم با داشتند. نمیتوان عملاً زنفود الهی را و زمینداران بزرگ حمایت کرد و در ضمن حال طالب پشتبانی زحمتگزاران ما مستمعان روستا بود. مسئول مراکز خدمات روستا بود روستا سازندگی در روزنامه معنی اطلاعات مورخ ۲۰ مهر، عصر بخا اعلام داشته بود:

اگر لایحه اصلاحات ارضی اسلامی اجرا میشد مادر مراکز خدمات باید به مالک و موقوفه آن ها خدمت ارائه کنیم.

ریزم ولایت عقیده برای حفظ این پایگاه نظر مسرد که میخواهد امتیازاتی هرچند ناچیز روستاها میدهد. اگر چه دست و پا ل حکومت آخوندیها حکومت اولیه ای مزاجم، مسته میباشد ولی از همان آغاز کتب به اهمیت کار در روستاها پی برده بود. حجاب سازندگویی در روستاها فقط صدد نساخت، برای جلب حمایت بیشتر روستائیان، اسرار حجاب و آسایش حمام و مدرسه، جاده، پل و محله تیرساخت.

ریزم علاوه بر سرکوب و کشتار روستاها یا غلابی و دیو کسرات، گدائش تکلیف اساسی در تبلیغات مداوم خود در روزنامه معنی و استه براد بوتلوپوزن عقیده میاهد بین، در بعضی جاها میکنند معنی خود ثابت کند که رهبری معاهد سرحد امر بالمعروف و نهی عنکر (یعنی توجیه طرده اسرما به داری است) ولی کشتارهای حفاظتکار به اقدام های هرروزه، تشیفات بی وقفه، بسته تشاهی گافر سود. ریزم به همراه آنها میباشند پایگاه مالوفی و آس خرد و بوزیاری، موزکات را ساز جنگ شان در آورد.

معاهد بین پایگاه تا کمورد روستاها حمایت معده ای نداشته اند و بیشترین توجه را به کار در زمان حرد و بوزواری شهری معضوب کرده اند ولی روستائیان در رهبران و در آسند مهمترین پایگاه توده ای آنها را تشکیل خواهند داد. ریزم جمهوری اسلامی با پی برد به این نکته، در رفت گد رکنار سرکوب فیزیکی میاهد بین و تشیفات مداوم علیه آنها با با اقدام اصلاحات سم بند نظیر بند "ب" با واغی شهری، تمدیل ثروته ملی کرد، تعارضت جا رهبری و عمده (هنا نظریکمه گفته ایم ریزم سها یگزافی برای آن برداخته یعنی معنویت خدا کردن احکام صریح قرآن و سنت را سجا بشیرده) ریزم پای معاهد بین را خالی کند و بسا رتیا رهروان را

در راهی مخالفت شورای نگهبان که منظور پاسداری از احکام اسلام (اصل ۹۹) تشکیل شده و از ارکان اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی بشمار میرود چه میتوان کرد؟ ما توجه به آنچه گذشت، مفهوم د فین توسل به اکثریت مجلس در مهارت زیرفتی خمینی در جواب به استفتاها شامی رفندنا نسو روشن میشود:

"اکثریت موقلای مجلس شورای اسلامی... معازند در تصویب و اجرای آن (یعنی تصویب و اجرای قوانین که فعل یا ترک آن موجب اختلال در نظام میشود و آنچه ضرورت دارد... آنچه فعل یا ترک آن مستلزم خرج است).



ریسختند تا رخ بکار در بگرمجلسی شد و اینبار گریبان خمینی را گرفت: کسی که با تکیه موقت به احکام اولیه اسلام با اصلاحات ارضی شاه مخالفت میکرد و در اعلامیه های خود (در کتا و آفات نظام مخالف امروزیش با آنرا "تخلف از احکام اساسی اسلام" و "صد اسلام" صداست، با مرعش بخشی از توده های نا آگاه که ارگانه های زیرینیم کاسه اطلاعاتی داشتند و بهیراه شیرمتمعه اریها و قسها و گلیا بیگنیها و بهیپاسیها - آخوند درباری معروف - حیانتار حجاب و فلسفها و غیره ماسو استفاده از احساسات مذهبی و ضد ریزمی مردم طحرای ن اخرد ادرا بهاء انداخت و هزاران تن از توده های نا آگاه را بکشتن داد و امروز همان آیات عظام و مهمترا بنکه فقهای خود گام در می شورای نگهبان را در مقابل اصلاحات ارضی اسلامی خود دارد. اگر ریزم شاه از این رسد و از رهبر اسلامی "خرج" یا حروا زنگنه) به مال بسد انگیزه ای (واژه غیر اسلامی "فساد" و اختلال در نظام) متوسل میشد و ریزم خمینی نیز برای مومنها ی بسد می خود به همان دلیل و مایل متوسل میشد و باید سها رتیا رومنه های دیگر (از جمله سا با ما سرکوب نیروها یا غلابی و غیره) به نحوی عمل میکند که گویی شاه مورخ تقلد خمینی است.

روزنامهات نظام شرعتمداری و قس (همزدریبر خمینی در زندان حضرت آباد پس از ن اخرد اد ۲۲) گلیا بیگنی، ملامتی، محلاتی و سره علیه اصلاحات ارضی شاه مسکند و در اعلامیه ها وجود آنرا "تخلف از احکام اساسی اسلام" صداست. خمینی در مقابل انقلاب از آنرا "گویا اصلاحات ارضی اسلام" انقلاب "انزیا لانهست" و "دستگاه خابره" اعلام خطر میکند و "نگرانی خود را در مورد انقلاب اریانین که آنرا و قبحانه انقلاب سها" میخواند و اعلام معادله و ماهیت طبعی خود را به ریذنی بنمایش میگذارد:

"ما بسد و اجرای جامعیه سلیمین عزرا اعلام میکند تا مستعین را از خطرها بین کفرای قرآن و مملکت در ریض است آگاه کم. من بعد دستگاه جابره اعلام خطر میکند. سجدای شمالی از انقلاب سها و انقلاب ار

## مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست



رهاشی

شماره ۱۰۸

صفحه ۱۱

گنج و مهبوت آنها (بویژه پس از زلفی رجوی پیمراه بنی صدر به پاریس، اعضا "مبتانی" با او، چشمک زدن به غرب پوستره سوبالد موکراسی اروپا، اعلام فروری رسمی "ما رزمی مسلحانه" با رژیم بعثی، نقاشی و تئورها، اعلام رسمی سرنگونی رژیم در این ماه و حتی "طرف چند روزی بنده" (۳۰۰) و با بظرف خود بکنند. طرف بدی نیست که اصلاحات نیم بند اشاره شده در موقه تنها برای فروریستها و اپورتیستها می‌تواند ای و اکثریتی بکنی بلکه برای بحثی از راه‌ها را از آن‌ها هدین نیز گرامی خاصی دارد و حتی ممکن است بعضی از کمونیستها همیشه گنج را با ز در چار سرگرمی کند. این خطری است که از هم اکنون نیروهای انقلابی با افشا "ماهیت این فروری نیم بند" باید به آن توجه کنند.

ما در شماره های آتی می‌خواهیم طی مقالاتی به طاهر دست به نقد ترین رژیم‌های پارسه ای رژیم بعثی مدح و "لابیسه اصلاحی" بنده "را که برای جلب رسایت زینداران بزرگ به بند ح الشکان شده، را مورد بررسی قرار دهیم داد و خواهیم دید که اصلاحات ارضی اسلامی "نه تنها خواستهای واقعی رجعتگشا نیست و از آنجا که می‌کند، نه تنها هیچ یک از مشکلات گشایری برای برآیند حل می‌دهد بلکه ویرانگشتی گشایری برای و استتک را به خارج را تسریع و تند به خواهد کرد. اصلاحات ارضی شاه، ساخت روستا برای برآیند روستا در رجعت خود است امیرالیمت (دگرگون کردن در حاشی که اصلاحات ارضی اسلامی زینونت مدلی اصلاحات ارضی شاه) هد می هر صله پینه کاربر را دنبال نمی‌کند. در مطالعه اصلاحات ارضی شاه و اصلاحات ارضی بعثی باید به چند نکته مهم دگرپیتوجه داشت:

● اصلاحات شاه در زمان آرمین و ثبات رژیم صورت گرفت و در حاشی که اصلاحات خمینی در موقه فاسی و پس و بی ثبات ترین صبح حاکمیت لوران و انجام می‌نمود. و در این شرایط معضله اینگونه رژیم‌های پارسه ای به شد خود شدیل مضروب.

● اصلاحات ارضی شاه، خصوصاً برای خود و هدی روستایی شد به انجام زبون (و مالها) قبول کنید که اثرات ویرانگرانه ای آید و گشایری برای حتی برای خود روستا نیز در پیش نبود. علاوه بر روستا ثبات طلب نیروهای سیاسی بزرگ و بیشتر در چار توجه نداشتند. تنها اساسی روستا در ترین نیروها روستایی بعضی دانشجویان ها و زده اصلاحات شاه را با نام "اصلاحات ارضی آری" دنگتور شاه "نه" بود. ولی اصلاحات ارضی بعثی یعنی لایحه‌های اصلاحات ارضی شاه، با وجود تجربه شکست خورد می‌تواند با صلی، بویژه بر روستا ثبات حتی توجه زاسر می‌نماید. آسمم دیشرا بطی که اکثریت بوده ها، کارگران و سا بر رجعتگشا شهرت یزد یک به سه حساب سرگرمی بگاری و گرامی و برای و در یک گم می‌ماندنی مطلبی رژیم در رطل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را

بخت سرگذشته اند.

● اصلاحات رژیم شاه و بهنگام "ایران" و جریه‌ی شیب است صورت گرفت و تصور سقوط آن در آن بنسبت من نزدیک

نمیرفتند و جمله اهداف اصلاحات شاه، جلوگیری از نقضار های آتی بود. در حالی که اصلاحات خمینی در رجوا نرتین و بی ثبات ترین صبح آن می‌خواهد انجام شود... در زنده‌ی گشایری اکثریت بوده ها هرگونه توجهی را نسبت به رژیم از دست دادند و نیروهای انقلابی و موکرات، سرنگونی آنرا در دستورگار خود قرار دادند. اهداف اصلاحات خمینی نه آتی بود و بلکه آب پاشید بر روی آتشهای برافروخته شده می‌باشد. شد بد ترین و موری ترین خیلرها اکنون زنده‌ها مقبوه رژیم است نه از روستا ها تا با وعد و حتی انجام اصلاحاتی نیم بند بتوانند خود را از آن مصون دارند.

خلاصه اینکه با توجه به معیبهی شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، رژیم جمهوری اسلامی حتی با انجام یا رفت اصلاحات رفیق و آسکی، نمیتواند خود را از سقوط محتوم نجات دهد. رژیم حنایتگرونده مردم می‌خیمنی با انجام اصلاحات باید در آن محکوم به سرنگونی است و چه بنا حتی صورت آثار در هر مایه بود داده شد می‌خود را پیدا کند. این اصلاحات مثلا اگر در سال میل انجام شده بود، در زنده‌ی که اکثریت عظیم بود و ها و سیاسی زینرها سیاسی نسبت به رژیم متوجه بودند، محتواسد برای مدتی کم و بیشتر طولانی تر، عمر رژیم جمهوری اسلامی را تضمین کند. ولی با توجه به راهی که رژیم ظامروزی کرد و به نقطه ای که اکنون رسید، استه سرپ المثل "خلجور را هر کجا بگیرد نفع است" برای نجات حکومت آخوندی، دنگرگند ای بدارد. می‌خانت فعی در انتخابات احکام اسلام با "استحکام حکومت آخوندی" و پس از اندازه به طول انجامد و خمینی، دنگرگشایری سرپه انتخاب در توار خود شد در داد و در زمانی که قطار رژیم سرگرمی حکومت آخوندی زنده سهارت که برآه افتاد است.

● میرا زده اصلاحات ارضی و نسمم آنگ روستا را از بزرگ، رکی - روم معانعت روستا نسم مرتجع (خمینی) سرپه آری، گشایری نگامی و صمی، میلانی و عمره و یا با اصطلاح "اصحالت شاه مرد" داد رجوی را فیه زین نبود. خمینی در واقع به بیرون و نسم سواران رجاست اسلام اخبار عیدت آرد، "سوارات آنسرا اعزام نداشتند.

"دنگرگند بیره در بطور آرد تا زین صقون زمان و مرقه و تصویب و اجرا کند یعنی احکام سروریه اسلام" و حقاً برآیند آرد (رشتا بر اعلام روستا "حاجگه ما رزات روستا نیوی ایران" صفحه ۹، ۱۰) عفا گلبنه شده است.



# زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم



خانه

قلم ها

[info@rouzaneha.org](mailto:info@rouzaneha.org)

پیوندها

روزانه ها

<http://rouzaneha.org>

"احکام اسلام"

<http://rouzaneha.org>

روزانه ها



[info@rouzaneha.org](mailto:info@rouzaneha.org)

از نگاه فریدون ایل بیگی